

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۴۰۱، ص ۳۳۷-۳۷۹

بررسی واکنش دستگاه عدالت کیفری نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار^۱

دکتر شیرزاد امیری^۲

چکیده

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان همواره مورد توجه تمام جوامع بوده است. و در حقوق کیفری ایران، قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان، از ابتدای قانونگذاری (۱۳۰۴) تا به حال، همواره مورد تغییرات و تحولات زیادی بوده است که از متن لوایح قانونی اطفال و نوجوانان و لوایح و قوانین مجازات اسلامی نسبت به این گروه، این امر به صراحت مشخص است. از طرف دیگر اقدامات قانونی و قضایی مربوط به اطفال و نوجوانان بیشتر مورد توجه نهادهای حقوق بشر و نهادهای بین المللی است که به حساسیت این موضوع می افزاید. قانونگذار ما در قانون مجازات اسلامی ۹۲ سعی کرده است که هم رضایت مراجع قانونی داخلی و هم مراجع بین المللی را کسب کند.

کلید واژه ها: طفل، نوجوان، بلوغ، مسئولیت کیفری، قانون مجازات اسلامی.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴

^۲ - استادیار و هیات علمی تمام وقت، گروه حقوق، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران.

مقدمه

مسئله اطفال نوجوانان به دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت شایانی برخوردار است، یکی از اساسی ترین مفاهیم علم حقوق، مسئله مسئولیت کیفری است.

در امور کیفری مسئله مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان به علت وجود شرایط خاص جسمانی و روانی آنان از اهمیت بیشتری برخوردار است، اقتضائات دوران کودکی ایجاب می کند که مسئولیت کیفری این افراد متفاوت از بزرگسالان باشد، به همین جهت در مسئله مسئولیت کیفری این گروه سنی، نیازمند شناسایی عمیق شخصیت طفل و در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی و در نهایت اقدامات اجتماعی، تربیتی و یا پاسخ های کیفری خاص است. اهمیت توجه به شخصیت و اهلیت اطفال در هنگام رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط آنان و جلوگیری از تخریب آنها، ایجاب می کند که قانونگذار تشریفات رسیدگی خاص را در حین رسیدگی به جرائم آنها لحاظ نماید.

اما متأسفانه تغییر و اصلاح قوانین کیفری به ویژه در خصوص اطفال و نوجوانان، بی توجهی به شرایط سنی و اوضاع و احوال اجتماعی و روند رشد جسمی و روانی آنان در حقیقت برخلاف روند تحولات جهانی و نیازهای روز انجام پذیرفته است. ناگفته نماند که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانونگذار تا حد مطلوب سعی کرده است قوانینی در جهت حفظ شخصیت و اوضاع و احوال اجتماعی و نوجوانان وضع کند که در جای خود بسیار راضی کننده است اما همچنان در محورهای اصلی حقوق کیفری مانند سن رشد جزایی (سن مسئولیت کیفری) یا قوانین مربوط به حدود و قصاص همچنان از نارساییها و مشکلاتی حکایت دارد که امید است با بازنگری در قوانین این مشکلات نیز مرتفع شود.

۱- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به لحاظ اینکه مدت زمان اندکی از لازم الاجرا شدن این قانون می گذرد، تحقیقات نادری صورت گرفته است اما کتاب های متعددی از جمله کتاب حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل تألیف خانم مریم عباچی، کتاب بزهکاری اطفال و نوجوانان تألیف دکتر شهلا معظمی، کتاب بزهکاری اطفال و نوجوانان تألیف دکتر جاوید صلاحی، کتاب دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران از دکتر مؤذن زادگان، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی از

حجت اله فتحی و چندین مقاله در این حوزه، تا حدودی این کتب و مقالات ما را در فهم حقوق اطفال یاری رسانده است

۱-۱- تاریخچه مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان

از ابتدای مشروطیت در ایران سن مسئولیت کیفری همان سن بلوغ شرعی بود که در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال تمام قمری است. قبل از رسیدن به این سن، اگر کودکی مرتکب جرمی می شد، هیچگونه مسئولیت کیفری نداشت و مجازاتی برای او در نظر گرفته نمی شد و بعد از رسیدن به سن بلوغ اگر کسی مرتکب جرمی می شد با وی همانند مجرمی بزرگسال رفتار می شد.

در دی ماه ۱۳۰۴ این قانون به امضاء مرحوم مدرس نیز رسیده بود. اطفال را به سه گروه تقسیم می کرد. اطفال کمتر از ۱۲ سال که از مسئولیت مبری بودند اطفالی که سن آنها بین ۱۲ تا ۱۵ سال و اشخاصی که سن آنها بین ۱۵ تا ۱۸ سال که در صورت جرم ارتكابی حبس در دارالتأديب محکوم کند

بعد از انقلاب از سال ۱۳۷۰ ماده ۴۹ مقرر داشت اطفال در صورت ارتكاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و در بند ۱ ماده ۴۹ طفل را کسی می شناسد که به حد بلوغ شرعی نرسیده، بلوغ شرعی نیز ۹ سال در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران بود. ماده ۴۹ اجازه تنبیه بدنی کودک خاصی را صادر کرده بود بدون آنکه به عواقب آن بیندیشد در قانون جدید این مورد حذف شده کانون اصلاح و تربیت در سال ۱۳۴۵ در شهر تهران و چند شهر دیگر از جمله مشهد- شیراز و ... تأسیس شد و جانشین دارالتأديب گردید. تحت نظر مستقیم دادگاه اطفال و با همکاری عده ای پزشک، روانپزشک، مددکار اجتماعی، آموزگار حرفه ای اداره می شد و از سه قسمت تشکیل شده بود.

۱- قسمت نگهداری موقت ۲- قسمت اصلاح و تربیت ۳- قسمت زندان. (جوانمرد، ۱۳۹۴، ۶۲)

در ایامی که محکوم به اقامت در کانون اصلاح و تربیت بود. مؤظف بودند طبق برنامه کانون، هفتگی به کلاسهای درسی یا در کارگاههای فنی و حرفه ای به تحصیل یا کارآموزی بپردازد و طبق قانون دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ مدیر کانون اصلاح و تربیت را مؤظف می کرد که حداقل یک ماه یک بار گزارش کاملی از وضع رفتار و اخلاق هر طفل به رئیس دادگاه اطفال بدهد و این گزارش ها تحت شرایط خاصی می توانست باعث تقلیل مجازات طفل شود

۲- مفاهیم

۱-۲- مفهوم طفل

منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. (تبصره ۱ ماده ۴۹ ق م ۱ مصوب ۱۳۷۰) کودک، انسانی است که سن هیجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد. (ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک که از دوم سپتامبر ۱۹۹۰ قدرت اجرایی پیدا کرد).

بر طبق کنوانسیون حقوق کودک، به کلیه افراد زیر هیجده سال، کودک اطلاق می شود در لغت نامه دهخدا طفل را اینطور معنی می کند. بچه - نوزاد آدمی - زغلول - کودک - مولود - نوزاد مردم و جانوران وحشی - کودک خرد. (دهخدا، ۱۳۹۷، ۱۶۷)

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریف دقیقی از طفل ارائه نشده در ماده ۸۸ برای تعریف کودک به ذکر سن ارتکاب جرم اکتفا کرده است.

۲-۲- مفهوم طفل بزهکار

با یک تعریف ساده می توان گفت طفل بزهکار فردی است که قبل از رسیدن به سن هیجده سالگی مرتکب جرم می شود. (عباچی، ۱۳۹۳، ۵۴) این تعریف مطابق استانداردهای جامعه ی بین الملل و همچنین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد که در این قانون تا حد بسیار مطلوب، سعی در مبری ساختن اطفال زیر هیجده سال از مسئولیت کیفری داشته است. (عباچی، ۱۳۹۰، ۳۵)

۲-۳- مفهوم دوره نوجوانی

دوره نوجوانی در واقع دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است نوجوان در درون خود مراحل بلوغ جنسی و جسمی را طی می کند و از طرف دیگر جامعه نگاه کودکانه را از وی برداشته و از او توقع ارائه رفتارهای اجتماعی مستقل دارد. (شرفی، ۱۳۹۶، ۱۰۲)

نوجوان در این دوره انتقال، از وابستگی های کودکانه جدا می شود و به سوی استقلال و مسئولیت پذیری بزرگسالی حرکت می کند. (بلر و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۵) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریف دقیقی از نوجوان نشده است و در مواد ۸۸ و ۸۹ به ذکر سن نوجوانی اکتفا نموده است.

نوجوانی در تعریف دیگر: دوره بی سروسامانی روحی قلمداد شده است زیرا در این دوره فرد نه دیگر جزء کودکان است و نه به درستی بالغ شده است (شرفی، ۱۳۹۶، ۸۹)

۲-۴- مفهوم بلوغ

بلوغ در لغت به معنی (رسیدن) و در مفهوم عبارت است از رسیدن طفل به حال احتلام (در مرد) و حیض یا حمل (در مورد زنان). (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸، ۱۱۸) ماده ۴۹ قانون مجازات ۱۳۷۰ مقرر می دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند طبق تبصره ۱ منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. بنابراین مبنای ارزیابی مسئولیت کیفری افراد (حد بلوغ شرعی) می باشد. مبحث بلوغ شرعی بر عکس «بلوغ» از نظر فقها و حقوقدانان دارای اوصاف مشخص و متفق علیه نیست. بسیاری از فقها با خلط «بلوغ» شرعی حالتی را مد نظر دارند که افراد پس از رسیدن به آن بتوانند تناسل و توالد کنند.

به اعتقاد برخی از فقهای عصر حاضر، بلوغ شرعی یعنی رسیدن به حد تکلیف و سن تکلیف برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری است.

براساس این دیدگاه، سن مزبور معیار تعیین مسئولیت کیفری بوده است. عده ای را اعتقاد بر آن است که بلوغ امری است طبیعی و محتاج تشریح نمی باشد (امامی، ۱۳۹۱، ۷۱)

با عنایت به آیه ۵ سوره مبارکه نسا چنین فرموده اند: «و ابتلوا الیتامی حتی اذا ابلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم» یتیمان را آزمایش کنید تا آن زمان که به مرحله ازدواج برسند، در این زمان اگر رشدی در آنها دیدید، اموالشان را به آنها برگردانید. باید به این نظر تمسک جست، تعیین سن مشخص برای بلوغ مطابق نظر مشهور فقهای امامیه است. (آیت الله خمینی، ۱۴۰۹ ه ق، ۲۳۵)

در نصاب سن بلوغ یا در مفهوم آن در میان اهل سنت و علمای شیعه از دیرباز اختلاف نظر وجود داشته است برخی مانند علامه حلی بلوغ را منوط به احتلام، رویش موی زبر خشن بر عانه و رسیدن به ۹ سال در دختران و ۱۵ سال در پسران می دانند.

صاحب اثر الفقه علی المذهب الاربعه نیز همین نظر را تأیید کرده است. این نظر مشهور مبنای نظام موضوعه فعلی قرار گرفته است. (غفوری غروی، ۱۳۹۰، ۵۲)

۲-۵- مفهوم مسئولیت کیفری

از منظر قوانین جزایی، شخصی که با علم و اطلاع و به قصد ارتکاب جرم مرتکب عمل مجرمانه ای شده باشد، مسئول قلمداد نمی شود بلکه علاوه بر قصد مجرمانه باید صفات و خصوصیات دیگر هم داشته باشد تا بتوان عمل مجرمانه ای را به وی منتسب دانست. (اردبیلی، ۱۳۹۶، ۴۵) مرتکب بایستی از لحاظ سازمان بدنی و فکری به حد کمال رسیده باشد و قوای روحی او سالم باشد و به واسطه بروز حادثه ای، قوای مزبور مختل یا زایل نشده باشد. از سوی دیگر مرتکب بایستی از نظر جزایی کبیر بوده و مجنون نباشد.

مسئولیت کیفری در معنای واقعی عبارتست از: اولاً الزام و تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او ثانیاً یا مجبور بودن شخص به تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه. (میرسعیدی، ۱۳۹۷، ۱۷)

این اصل توسط اکثر قانونگذاران پذیرفته شده است که تنها در صورتی می توان شخصی را برای عملی که قانون آن را جرم شناخته مجازات کرد که آن عمل در زمان ارتکاب به وی قابل انتساب باشد. قابلیت انتساب ناظر به وضعیت شخص در زمان ارتکاب جرم است و زمانی عملی را می توان به فردی منتسب دانست که در زمان ارتکاب آن عمل از «درک و اراده» برخوردار باشد. به عبارت دیگر در قابلیت انتساب، باید اثبات شود که مرتکب جرم قدرت تمییز لازم برای درک ارزش رفتار خود را داشته و با این حال، چنین رفتاری را به طور آزادانه اراده کرده است. توانایی درک (تمییز) را می توان «قابلیت فرد برای اداره خود در دنیای خارج بر اساس تصویری صحیح و تحریف نشده از واقعیت و نیز توانایی درک معنا و ارزش رفتار خود و ارزیابی آثار مثبت یا زیانبار آن در دنیای خارج تعریف کرد» (فتحی، ۱۳۹۷، ۱۹)

احراز این تواناییها براساس بخش هوش یا تست های روان شناسی ممکن نیست بلکه بر مجموعه ای از سرمایه های ذهنی، منطقی، عقلانی و اخلاقی اجتماعی فرد مبتنی است در توضیح توانایی خواستن یا اراده

می توان گفت که اراده بر قدرت کنترل محرک های انجام عمل و تصمیم گیری آزادانه بر اساس بهترین و معقولانه ترین انگیزه ها مبتنی است . (علیوند ، ۱۳۹۹ ، ۱۶۳)

تنها پس از احراز عناصر سه گانه « قابلیت انتساب »، « مجرمیت » و « اهلیت جزایی » است که می توان از مسئولیت کیفری به طور کلی، سخن به میان آورد

با این حال بررسی مسئولیت کیفری در مورد اطفال و نوجوانان ، با در نظر گرفتن عناصر نامبرده شکل خاصی به خود می گیرد. از یک طرف ارزیابی توانایی تمیز مستلزم تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری را فراهم می آورد.

از طرف دیگر تدریجی بودن « رشد تمیز » و نیز تدریجی بودن « رشد اهلیت کیفری » پیش بینی رژیم مسئولیت کیفری تدریجی را برای اطفال دارای سن تمیز فراهم می آورد. بنابراین آنچه گفته شد، از یک طرف برخوردار بودن طفل از « اهلیت جنایی » یا قابلیت انتساب، امکان پیش بینی رژیم مسئولیت را برای وی فراهم می آورد

۲-۵-۱- سن مسئولیت کیفری

برای سنی که در آن می توان یک نوجوان را از نظر عقل و منطق دارای مسئولیت کیفری دانست، معیار مشخص بین المللی وجود ندارد. پیمان نامه ی حقوق کودک در ماده یک، کودک را به افراد انسانی زیر ۱۸ سال، اطلاق می کند، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۴۰، بند ۳ الف).

مقررات پکن به دستور فوق می افزاید که: سن مسئولیت کیفری نباید بسیار پایین تعیین شود و لازم است واقعیات مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی کودک را در نظر بگیرد(حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان، ماده ۱-۴).

در مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار، قبل از هر چیز تعیین حداقل سن تمیز یا به عبارت دیگر حداقل سن مسئولیت کیفری از اهمیت برخوردار است. تنها از آغاز این سن است که می توان در قلمرو حقوق کیفری از مسئولیت اطفال صحبت کرد.(اکرمی، ۱۳۹۸ ، ۱۰۳)

لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، در ماده ۲ عنوان می کند اطفال در صورت ارتکاب جرم میرای از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنها با نظر دادگاه به نحو مقرر در مواد آتی است.

بنابراین لایحه مذکور اطفال را از مسئولیت کیفری مبری می داند و گرچه سنی برای شروع مسئولیت کیفری مشخص نکرده لیکن رسیدن به حد بلوغ شرعی، لازم برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه می داند در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با مشخص کردن سن مسئولیت کیفری که از ۹ سالگی آغاز و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد، تا حد زیادی توانسته است ابهامات قوانین قبلی، خصوصاً قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را روشن نماید. در این قانون، قانونگذار در ماده ۴۹ فقط به صورت کلی اطفال را از مسئولیت کیفری مبری دانسته است. در قانون جدید اطفال زیر ۹ سال به طور کلی از مسئولیت مبری دانسته و برای سنین دیگر، مجازاتهایی به نسبت سن آنها وضع نموده است

در حقوق ایران طفل و کودک را نمی توان یکسان فرض کرد و تعریف واحدی از آن ارائه داد، چرا که طفل فردی است که به حد بلوغ نرسیده است ولی کودک فردی است که به رشد عقلی و دماغی دست نیافته است (صلاحی، ۱۳۹۸، ۵۵) کودکی نیز نقطه مقابل بزرگسالی است که مقنن ایرانی نیز در عمل چنین تفکیکی را با تعیین آستانه های سنی مختلف برای برخورداری از حقوق و تکالیف اجتماعی مورد پذیرش قرار داده است. یعنی اینکه طفل و کودک با هم متفاوت بوده و به لحاظ حقوقی نیز نمی توانند یکسان تلقی شوند

به عبارت دیگر کودکی ضرورتاً به معنی عدم وصول به سن بلوغ نیست بلکه کودکی به معنی عدم وصول به سن رشد و تکمیل قوای عقلی است. از این رو همچنان طفولیت نقطه مقابل بلوغ است (معظمی، ۱۳۹۸، ۸۲)

بر همین منوال رسیدن به سن تکلیف عبادی که مساوی با بلوغ شرعی است ملازمه ای با بلوغ فکری و اجتماعی ندارد و بدین واسطه باید گفت که قوانین و مقررات داخلی ایران در زمینه تعریف کودک ساکت است و باید در این زمینه به مقررات بین المللی مراجعه کرد.

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک اشعار داشته « از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است که صرف نظر از پذیرش یا عدم پذیرش این تعریف در حقوق داخلی باید گفت که هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال اعم از اینکه بالغ باشد یا خیر کودک محسوب شده و پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام که مساوی با تکمیل قوای عقلی فرد است بزرگسال محسوب می گردد از نظر حقوقی نیز

کودک به فردی اطلاق می گردد که از نظر سنی به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و از رشد عقلی و فکری لازم نیز برخوردار نباشد.

سن مسئولیت کیفری در حقوق داخلی ایران و فقه امامیه را می توان به ترتیب زیر بررسی کرد:

در حقوق ایران قوانین و مقررات موضوعه در این زمینه بسیار متشتت است و مقنن برای امور مختلف آستانه های سنی متفاوتی تعیین نموده است. بعنوان مثال ماده ۲ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳ افراد ذکور به خدمت سربازی را منوط به داشتن ۱۸ سال تمام و ورود به سن ۱۹ سالگی دانسته است و یا در بند ۲ ماده ۲۷ قانون اصلاحی انتخابات مصوب ۱۳۷۹ سن لازم برای شرکت در انتخابات ۱۵ سال تعیین گردیده و یا در آیین نامه راهنمایی و رانندگی داشتن حداقل ۱۸ سال سن برای اخذ گواهینامه رانندگی شرط شده است. لذا ملاحظه می گردد برای برخورداری از حقوق و یا تکالیف قانونی به آستانه های سنی متفاوتی توسط قانونگذار در نظر گرفته شده است.

در حقوق ایران طبق مجازات عمومی ۱۳۰۴، سن کیفری از ۱۲ سالگی آغاز و به ۱۸ سالگی ختم می گردد. به موجب ماده ۳۴ برای اطفال کمتر از ۱۲ سال محکومیت جزایی میسر نبود چرا که از نظر این قانون اطفال زیر ۱۲ سال غیر ممیز تلقی و از نظر کیفری فاقد مسئولیت کیفری محسوب می گردیدند اما پس از رسیدن به سن ۱۲ سالگی تا خاتمه ۱۵ سالگی به موجب قسمت اخیر ماده فوق الذکر، در صورتی که مرتکب جرم می شدند، باید بواسطه ممیز بودن با التزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها به اولیای خود تسلیم می گردیدند.

ماده ۳۶ این قانون نیز سن ۱۵ تا ۱۸ سال را به عنوان یکی از مراحل سن کیفری مورد توجه قرار داده بود.

قانون ۱۳۵۲ نیز همین روند را در خصوص سن مسئولیت کیفری افراد در سنین مختلف، یعنی تا ۱۲ سال ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال در نظر گرفت و لذا حسب این قانون اطفال تا قبل از رسیدن به سن ۱۲ سالگی مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری محسوب شده و پس از آن تا سن ۱۸ سالگی از رژیم کیفری خاص اطفال و نوجوانان برخوردار می گردیدند.

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اطفال را در خصوص ارتکاب جرم میری از مسئولیت کیفری هستند در تبصره ۱ طفل را فردی می داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

در قانون مجازات اسلامی، حد بلوغ شرعی تعیین نگردیده و ناگزیر در این خصوص به مقررات قانون مدنی مراجعه نمود، تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۷۰ مقرر می دارد « سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است» که به محض رسیدن به این سن، از مسئولیت تام کیفری همچون بزرگسال برخوردار خواهند شد.

همچنان که گفته شد، تعیین سن مذکور به عنوان سن مسئولیت کیفری مقتبس از فقه امامیه است. از نظر فقهی و بر حسب نظر مشهور در فقهای امامیه نیز، سن مسئولیت کیفری برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری است.

عمده ترین دلیل مشهور فقها در تعیین سن مسئولیت کیفری به شرح مذکور « روایت حمزه بن حمران» از امام محمد باقر (ع) است که چنین روایت کرده است که از امام محمد باقر (ع) پرسیدند چه موقع بر پسر همه حدود الهی واجب می گردد و به سود و زیان او حکم شده و مؤاخذه می گردد؟

امام (ع) فرمودند: وقتی که از کودکی و یتیمی خارج شده و صاحب ادراک و شعور باشد.

گفتم آیا برای آن حدی هست که با آن شناخته شود؟ امام فرمودند « وقتی که محتلم شود و به سن ۱۵ سالگی برسد یا شعور پیدا کند و یا موی زهار او برآید حدود الهی بر او اقامه و جاری می گردد و به سود و زیان او حکم می گردد».

پرسیدم چه موقع همه حدود الهی بر دختر واجب می گردد؟ فرمودند دختر همانند پسر نیست زیرا دختر وقتی که شوهر کند و دخول با او صورت بگیرد و ۹ سال داشته باشد، یتیمی او از بین می رود و حدود به طور کامل به نفع و ضرر او جاری می شود

۳- یافته های تحقیق

۳-۱- برخورد نظام کیفری با اطفال

از جمله مباحث حساس جرم شناسی، برخوردی است که نظام کیفری با اطفال بزهکار میکند. به دلیل اهمیت سن کودکی و نوجوانی و تأثیری در این دوران در ساخت شخصیت آینده کودک می گذارد و همچنین با

توجه به اینکه کودک و نوجوان با بزرگسالان از نظر توان جسمی و روانی تفاوت‌هایی دارد، واکنش نظام کیفری به بزه این قشر اهمیت زیادی دارد.

تعیین سن کودک، مجازات‌ها و مسئولیت‌های کیفری وی در جامعه مانند دیگر قوانین کشور، با استخراج از شرع مقدس صورت می‌گیرد اما با توجه به مقتضیات زمان و البته فتوای فقها تغییر‌هایی در این مقررات رخ داده است. که در مقررات جدید قانون مجازات اسلامی بازتاب داشته است.

با این تغییرها، علاوه بر این که اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر اینکه «قوانین و مقررات مدنی، جزایی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیراینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» رعایت می‌شود.

متن کنوانسیون حقوق کودک که با تصویب مجلس در حکم قوانین داخلی می‌باشد و مقتضیات و ضرورت اجرای آن مشهور می‌باشد، فصل ۱۰ قانون مجازات اسلامی، موضوع نظام کیفری ما در برابر کودکان را بیان می‌کند. این مقررات نسبت به مقررات فعلی دچار تغییر‌هایی شده است.

۳-۲- قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱

در قوانین بعد از انقلاب اسلامی، اولین قانون ماهوی راجع به اطفال و نوجوانان، قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ بود.

ماده ۲۶ این قانون در خصوص اطفال مقرر می‌دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنها به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

تبصره ۲: چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و اداء آن به عهده ولی طفل می‌باشد.

تبصره ۳: در جرائم مهمه هرگاه تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد.

طبق تبصره ۱ ماده ۲۶ منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. قانون مجازات بلوغ را تعریف نمی کند و باید در این زمینه به قانون مدنی مراجعه کرد.

در حقیقت در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ مجازات اطفال بزهکار متناسب با سن و سال و اوضاع و احوال شخصیت طفل نبود و درباره اطفال مجرم مجازات بزرگسالان اعمال می گردید. در این قانون مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان را که در قوانین قبل از انقلاب وجود داشت از بین رفت و مسئولیت دفعی و یکباره به اطفال و نوجوانان محول گردید.

نکته دیگری که باز در این قانون مدنظر می باشد این است که ذکر بلوغ شرعی مندرج در ماده ۲۶ مسئولیت جزایی کسانی را که در محدوده ی قوانین اسلامی قرار ندارند، دستخوش اشکال می کند. مثلاً یک دختر بچه مسیحی یا یهودی ۹ ساله که واجد عنوان بلوغ شرعی مسلمان نیست اگر مرتکب جرمی شود آیا او نیز همانقدر مسئولیت جزایی دارد که یک دختر ۹ ساله مسلمان دارد؟ (نوربها، ۱۳۹۵، ۳۴)

در تبصره ۲ تهیه کنندگان قانون با استعمال کلمه ی غیر بالغ اصولاً تکلیف کسی را روشن کرده که فاقد مسئولیت جزایی است و لذا تفکیک جرائمی چون قتل و ضرب و جرح از دیگر موارد وجه ندارد.

در تبصره ۳ اولاً جرائم مهمه مشخص نشده اند و ثانیاً قانونگذار مشخص نکرده که این تنبیه از ناحیه چه کسی یا کسانی باید اجرا شود. در این قانون در خصوص تنبیهات بدنی در تبصره ۳ مقرر نموده که تنبیهات بدنی در جرائم مهمه قابل اعمال بود. این تنبیهات بدنی حتی اگر غیر انسانی و زجرآور هم بود بازهم اجرا می شد، طبق قانون مذکور قابل قبول بود و فقط باید طوری اجرا می شد که دیه به آن تعلق نمی گرفت. در این ماده به هیچ وجه جنبه روانی طفل در نظر گرفته نشده است و فقط از لحاظ جسمی قضیه مورد بررسی قرار گرفته که در جای خود قابل ایراد می باشد.

در قانون راجع به مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اطفال زیر سن ۹ سال در دختران و زیر ۱۵ سال قمری در پسران را مشخص کرده است. یعنی اگر دختر ۱۰ ساله ای مرتکب جرم مستوجب قصاص شود، با توجه به مواد قانونی در این قانون، مجازات قصاص در مورد این شخص قابل اجرا بود.

۳-۳- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مقام برخی جرائم علیه کودکان، گاهی بدون اشاره به لفظ کودک و یا طفل و بدون فرق در جنس کودک، محدوده سنی خاصی را مشخص کرده و به این صورت کودک را مشمول سازو کارهای افتراقی - حمایتی از طریق تشدید مجازات قرار داده و در برخی جرائم از واژه طفل یا کودک استفاده کرده است. با رسیدن به سن بلوغ وفق تبصره ۱ ماده ۴۹ ق م اسلامی، قانونگذار در این ماده اطفال را از مسئولیت کیفری مبری و فاقد اهلیت جزایی می داند و مطابق آن نباید هیچگونه مجازاتی بر اطفال تحمیل شود همچنین تنبیه بدنی اطفال در صورت ضرورت و با رعایت مصلحت و به مقداری که مصلحت اقتضاء کند اجازه داده شده است ولی این اشکال بر آن وارد است که اولاً معلوم نیست مقدار این تنبیه چه مقدار است، ثانیاً طفل در این قانون افرادی هستند که به حد بلوغ شرعی نرسیده اند، این امر در تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی عنوان شده است.

با رسیدن به سن بلوغ در این قانون اطفال در معرض برخی مجازات ها و تدابیر کیفری بزرگسالان قرار خواهند داشت و مقنن در قوانین ماهوی هیچ ارفاق و تعدیلی در تعیین کیفر نسبت به آنان قائل نشده و در نتیجه در صورت ارتکاب جرم، به ویژه در جرائم مستوجب حدود و قصاص، کیفرهای قانونی در مورد آنان اعمال می گردد. این در حالی است که در اکثر کشورهای جهان، اطفال حتی بعد از رسیدن به سن مسئولیت کامل کیفری، از نوعی سیستم منعطف حمایتی، تربیتی و مراقبتی و در عین حال کیفری استفاده می کنند.

در تبصره ۱ ماده ۴۹ به نظر می رسد منظور از حد بلوغ شرعی فقط سن بلوغ نیست و مقصود رسیدن به بلوغ شرعی است و واژه (حد) در عبارت حدبلوغ شرعی زائد است (فتحی، ۱۳۸۴، ۸۳)

متأسفانه مقنن در قانون سابق تنها رادع و مانع قانونی ممکن را که در تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ پیش بینی و براساس آن تنبیه نمی بایست به گونه ای باشد که دیه به آن تعلق گیرد را نسخ کرده و بدین ترتیب والدین و سرپرستان براساس سلاقی و معیارهای شخصی و فرهنگی می توانند از این ابزار و وسیله تا سرحد مرگ کودک نیز بهره وافر و کافی ببرند و در ضمن آسوده خاطر باشند که نه قانون بهمن ماه ۱۳۸۱ در مورد کودک شامل حال آنان خواهد شد و نه در صورت قتل فرزند به ویژه توسط پدر یا جد پدری، کیفر قانونی نسبت به آنان اعمال خواهد شد. حال آنکه حتی قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۷۹ اعمال تنبیه توسط والدین را در خارج از حدود تأدیب متعارف با توجه به شرایط کودک ممنوع اعلام کرده است.

بی توجهی به سرنوشت اطفال به همین جا خاتمه نمی یابد و همانطور که قبلاً هم گفته شده متأسفانه مقنن در موارد دیگری نیز حتی در تضاد با اصل عدم مسئولیت مطلق کیفری اطفال، مصرح در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، کودکان نابالغ و در مورد برخی افعال قابل مجازات دانسته است.

ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: هرگاه نابالغ، نا بالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود، مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد.

این روش غیر قابل قبول در قوانین جزایی هیچ کشوری مشاهده نمی شود، ممنوعیت اعمال تنبیه به ویژه اطفال نا بالغ و کم سن و سال در اسناد مهم بین المللی که ما نیز اکثر آنها را پذیرفته ایم بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتار یا تنبیهات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز پیمان نامه شکنجه و سایر رفتار و تنبیهات غیر انسانی و تحقیر آمیز، عهد نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۶ و ۷) پیمان نامه حقوق کودک (مواد ۳۷ و ۴۰) و مقررات پکن (ماده ۱۷) در مورد این حداقل حقوق، مصوبات روشن و تعریف شده ای دارند. (عباچی، ۱۳۹۹، ۵۹)

حداقل سن عدم مسئولیت کیفری، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت اذیت و آزار و تنبیه بدنی، ممنوعیت مجازات های کیفری برای اطفال تا حد سنی مشخص و ممنوعیت اعمال مجازاتهای سنگین حتی کودکانی که دارای سن رشد جزایی هستند، از مفاد اسناد بین المللی محسوب می شوند.

جالبتر آنکه قطعنامه آخرین کنگره بین المللی حقوق جزا (پکن) با تعیین ۱۴ سالگی به عنوان سن عدم مسئولیت کیفری، تأکید می کند که برای اطفال کمتر از این در صورت ارتکاب جرم صرفاً اقدامات تربیتی اعمال گردد.

بنابراین می توان مشکلات و ایرادهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را اینطور بیان نمود:

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اطفال را در صورت ارتکاب جرم مبری می داند و در تبصره پایین مقرر می دارد. منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

بنابراین حد بلوغ شرعی، حد مسئولیت کیفری افراد تلقی می گردد.

مبحث بلوغ شرعی «برعکس بلوغ» از نظر فقها و حقوقدانان دارای اوصاف مشخص و متفق علیه نیست.

بسیاری از فقها با خلط بلوغ و بلوغ شرعی حالتی را در نظر دارند که افراد پس از رسیدن به آن بتوانند تناسل و توالد کنند.

وصول به این مرحله دارای آثار ۳ گانه و عارضه خارجی و جسمی است ۱- رسیدن به سن ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران ۲- رویدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی ۳- خروج منی

«احتلام در پسران و حیض در دختران» .

در واقع به نظر می رسد یکی از این نشانه ها برای احراز بلوغ شرعی کفایت کند، به اعتقاد برخی از فقهای عصر حاضر بلوغ شرعی یعنی رسیدن به حد تکلیف و سن تکلیف برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری است .

بر اساس این دیدگاه سن مزبور معیار تعیین مسئولیت کیفری بوده ، اصولاً حدود الهی و حق الناس باید به نحو کامل اجرا شود، گروهی نیز سن بلوغ شرعی را در دختران ۱۳ سال و در پسران حتی بیش از ۱۵ سال نیز قابل اثبات دانسته اند. ایشان معتقدند که شرط ثبوت کیفرهای حدی بلوغ است و برای غیر بالغ حد ثابت نمی شود.

مضافاً اینکه دختر ۱۳ ساله بالغ تلقی می گردد و پسر هم ممکن است پیش از کمال ۱۵ سال قمری بالغ شرعی محسوب آید و در صورت احراز بلوغ شرعی، آنان حکم سایر بالغین را دارند. عده ای نیز در توجیه فلسفه تفریق سن بلوغ دختران از پسران، ضمن استناد به مسائل فقهی، آن را ناشی از ویژگیهای خاص فیزیولوژیک زن و مرد دانسته و النهایه، همگان را تسلیم حکمت حق تعالی می پندارد.

نتیجه آنکه فقها، مبحث بلوغ شرعی را مرادف با بلوغ جنسی دانسته، دارای اوصاف مشترک فرض می کنند با اقتباس از این دیدگاه، قانون مدنی در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ سن بلوغ را در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال تمام قمری مقرر نموده است. فرایند مدنی وصول به سن بلوغ و تبعات ناشی از آن در قانون مذکور، به ویژه در مقام مقایسه بین ماده ۱۲۱۰ و تبصره ۲ آن قانون متفاوت و متعارض به نظر می رسد زیرا به صراحت متن ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد

محجور دانست، مگر آنکه عدم رشد یا جنون او اثبات شده باشد و در حالی که در تبصره ۲ همان قانون، اموال صغیری که بالغ شده است در صورتی می توان به او سپرد که رشد او ثابت شده است.

در واقع طبق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی رسیدن به سن بلوغ به منزله رشد تلقی می شود و طفل حق دخالت در اموال او را خواهد داشت، حال آنکه تبصره ۲ آن ماده رسیدن به سن بلوغ را موجب احراز رشد نمی داند مگر این امر اثبات شده باشد.

مقایسه های این دو متن حاکی از وجود اختلاف عمیق نظری بین تدوین کنندگان آن است زیرا صرف ظهور بلوغ جسمانی در نزد مبدعین ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دلیل رشد است در حالی که به نظر می رسد ابداع کنندگان تبصره ۲ ماده مرقوم، ظهور علائم بلوغ را به تنهایی موجب احراز رشد نمی دانند. رشد یا شایستگی عقلانی، جز با تجمیع دو شرط، یکی راجع به نمو جسمانی و دیگری راجع به نمو قوای دماغی و روحی احراز نمی شود و اگر این دو وصف در کسی جمع شود معلوم می گردد که دوران صغر او خاتمه یافته است. بنابراین چنین به نظر می رسد که بین مفهوم بلوغ که به منزله ظهور علائم جسمانی و یا رسیدن به سن معین است به وصف بلوغ شرعی که فراتر از ظواهر خارجی، مستلزم احراز شرایط دیگر از جمله عقل، قوه درک و تکامل روحی و دماغی است، فرق اساسی وجود داشته باشد.

نظام قضایی ما خصوصاً در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به علت وجود ابهامات و نارسایی در قانون مرتبط با مفهوم بلوغ که مبنای مسئولیت کیفری اطفال تلقی می شد، دچار مشکلات فراوان گردیده بود و مراجع کیفری به طور غیر موجه از مفهوم بلوغ شرعی مصرح در تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی آن را منطبق با وصف بلوغ مندرج در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی می دانستند. بر این اساس احکام کیفری با مجازاتهای بسیار سنگین در مورد اطفال تازه بالغ صادر می شد، که همین امر موجب مشکلات و ابهامات بسیار زیاد در سیستم قضایی کشور گردیده بود.

۳-۳- بررسی لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۳

این لایحه با هدف رفع نقص قوانین موجود از سوی قوه قضائیه تدوین و توسط دولت در سال ۸۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. روند تدوین لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان طی سالیان متمادی متغیر بوده است. با نگاهی به قانونگذاری کشور که ابتدا در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مسئولیت تدریجی اطفال بسیار مختصر و ناقص پیش بینی شده بود. در سال ۱۳۳۸ با تصویب {قانون بزهکاری اطفال} موضوع

آیین دادرسی افتراقی وارد نظام حقوقی ما شد. یعنی دادگاههای خاص و مقررات خاصی برای شیوه رسیدگی به جرائم اطفال در این لایحه پیش بینی شد و نواقص قانون عمومی را در رابطه با مسئولیت تدریجی تا حدی جبران نمود.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل دادگاههای عمومی موضوع آیین دادرسی تدریجی اطفال دستخوش تغییراتی شد زیرا به جرائم اطفال نیز باید در این دادگاهها رسیدگی می شد. در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای (۱ و ۲) مسئله دادرسی افتراقی و مسئولیت تدریجی اطفال به طور کلی از بین رفت و از آن پس برخوردی مشابه مجرمین بزرگسال با اطفال در دادرسی و تعیین مسئولیت صورت گرفت. زیرا در قوانین ماهوی (قانون مجازات اسلامی) مسئله مسئولیت تدریجی مورد توجه قرار نگرفته بود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲، ۸۵) با این وصف مسئله دادرسی اطفال اعم از مسائل شکلی یعنی شیوه های رسیدگی، دادگاههای اختصاصی و مسائل ماهوی (مسئولیت کیفری) در نظام حقوقی ما مورد بی توجهی قرار گرفت، سرانجام پس از سالها تجربه نشان داد که برخورد با اطفال در رسیدگی به جرائم نسبت به بزرگسالان باید متفاوت باشد. (جوانمرد، ۱۳۹۴، ۸۴)

۳-۳-۱- نقاط مثبت یا احیاناً کاستی های لایحه

نقاط مثبت یا احیاناً کاستی های لایحه ۸۳ را به طور خلاصه می توان این چنین بیان کرد:

در این که قوانین قبلی جوابگوی نیازهای جامعه نیست و این امر مشکلاتی را پدید می آورد و در این موضوع شکی نیست. و در مقابل می توان گفت که لایحه ۸۳ بسیار راهگشا بود. اما باید توجه داشت که اولاً نکات شرعی آن باید روشن می شد و میزان دخالت دادسرا در مسائل اطفال باید به وضوح بیان می شد.

درباره مسئولیت کیفری عرفاً اعتقادی به تساوی سن نیست چون مقررات شرعی است و در قوانین وجود داشته اما باز هم جای بحث دارد و باید از سوی صاحب نظران و فقها اظهار نظر شود اما آنچه مسلم است اینکه مجازاتهای فعلی که برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته می شود مجازات بزرگسالان است. و خود قضات نیز از این موضوع راضی نیستند و معتقدند مجازاتها باید متناسب با شرایط اطفال و نوجوانان باشد.

نکته دیگر اینکه بررسی راههای تخفیف مجازات ضروری است هر چند قضات باید حداقل مجازات را برای اطفال و نوجوانان در نظر بگیرند اما در حال حاضر در جرائمی مانند مواد مخدر راه تخفیف بسته است و

حداقل ۵ سال حبس دارد و تخفیف اعمال نمی شود. در حالیکه باید توجه داشت، درست است که کودک به عنوان عامل مواد مخدر بوده اما خود به تنهایی اراده ای نداشته است.

۳-۳-۲- اختصاص شعب ویژه رسیدگی به جرائم اطفال

سئوالی که به ذهن متبادر می شود این است که اختصاص شعب ویژه رسیدگی به جرائم اطفال که در لایحه مذکور بر آن تأکید شده است چه مفهومی دارد؟ می توان گفت همواره دادسرا در کنار دادگاه انجام وظیفه کرده است در حال حاضر نیز در دادسرای ویژه نوجوانان این کار انجام می شود اما ویژه نیست بلکه یکی از نواحی است. اما وقتی که از قانون تأکید شده که این رسیدگی باید در یک شعبه ویژه انجام شود با ویژگی یافتن دادسرا در کار تفکیک ایجاد می شود.

همچنین در مواد ۲۱۵ به بعد آیین دادرسی کیفری بیان شده که در هر حوزه قضایی در صورت نیاز یک یا چند شعبه برای رسیدگی به موارد ویژه ایجاد می شود این ویژگی ها در حال حاضر به این شکل است که شعب در دادگاه عمومی تخصیص می یابند و فعالیت می کنند.

۳-۳-۳- طفل و نوجوان در لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

در لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، طفل و نوجوان با توجه به سن تعریف می شوند. در ماده ۹ لایحه مذکور گفته شده که کلیه جرائم اطفال و نوجوانانی که سن آنان بیش از ۹ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی است در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود. این لایحه به طور ضمنی افراد زیر ۱۸ سال را مشمول عنوان اطفال و نوجوانان می داند و ملاک شرعی سنی طفل و نوجوان را بعد از ۹ سال و قبل از ۱۸ سالگی می داند.

تبصره ماده ۱۰ قانون مذکور: منظور از طفل را کسی می داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشند و ملاک سن در زمان ارتکاب است.

در ماده ۱۳ لایحه مذکور مقرر می دارد: کلیه اقدامات اعم از تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال تمام خورشیدی به شرط آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی فقط کمتر از ۳ سال و یا جرم منافی عفت باشد. توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که

بر طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری انجام می دهد. در غیر این موارد مذکور، تعقیب و تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا بر طبق این قانون انجام می شود.

در این ماده به طور تلویحی افراد زیر ۱۵ سال را نیز مشمول عنوان اطفال و نوجوانان می داند که این عنوان این مفهوم را می رساند که مفهوم طفل و نوجوان کلیه افراد زیر ۱۸ سال را در این قانون شامل می شود. ماده ۳۱ لایحه مذکور مقرر می دارد: در باره نوجوانانی که سن آنان بیش از ۱۵ سال و تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است مجازاتهای زیر اجرا می شود: ۱- حبس در کانون اصلاح و تربیت تا یکسال . یا پرداخت جریمه نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات آنها از ۱ تا ۳ سال حبس یا مجازات دیگری غیر از حبس باشد. ۲- حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۶ ماه تا ۳ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن ۳ سال یا بیش از ۳ سال حبس باشد ۳- حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۳ سال تا ۸ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن حبس ابد یا اعدام باشد.

در این ماده مقرر می دارد نوجوانان را افرادی می داند که سن آنها بیش از ۱۵ سال و تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است این ماده تفکیک سنی بین اطفال و نوجوانان است.

این تعریف از نوجوانان با توجه به سن مفهوم ماده ۹ لایحه مذکور را که دایره شمول اطفال و نوجوانان در آن مجزا بود را به صراحت مجزا کرده است.

طفل و نوجوان در لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۷۸:

در ماده ۱ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که در مورخه ۸۷/۵/۱۴ کلیات آن به تصویب رسید به طور ضمنی اطفال و نوجوانان را افراد کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی عنوان می کند و هیچ ذکری از دختر یا پسر بودن نمی کند و دادگاه اطفال و نوجوانان را صالح برای کلیه جرائم این افراد می داند.

ماده ۲ لایحه مذکور منظور از طفل کسی دانسته که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، این تعریف از طفل در راستای تعریف قانون مجازات از طفل می باشد، در ماده ۳۲ این لایحه معیار سن را برای اطفال و نوجوانان ارائه می دهد و اطفال و نوجوانان را کسانی می داند که سن آنها بیش از ۱۵ سال تمام خورشیدی و تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است.

به طور ضمنی این اقدام قانونگذار در این ماده در تعریف نوجوان در تعارض با ماده ۱ لایحه می باشد که به طور کلی از دو واژه اطفال و نوجوانان در آن استفاده شده بود. اما در راستای تعریف ماده ۲ لایحه مذکور از بلوغ شرعی می باشد به جا بود که مفهوم طفل و نوجوان با رأس ماده با تفکیک انجام می شد.

۳-۴- بررسی مواد مربوط به مجازات اسلامی ۱۳۹۲

عمده ترین و اصلی ترین مواد مربوط به حقوق اطفال در قانون جدید مجازات اسلامی در فصل دهم این قانون تحت عنوان مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، پرداخته شده است

فلسفه وجودی مربوط به پیدایش قانون جدید اطفال و نوجوانان، ایرادات لوایح قبلی در خصوص موضوعات اساسی مربوط به حقوق اطفال و نوجوانان از قبیل سن مسئولیت کیفری، مجازات اطفال و نوجوانان، اقدامات تأمینی مربوط به آنها می باشد.

در رویکرد قانون جدید در قسمت اطفال و نوجوانان بنابر تعدیل نسبت به قانون سابق است و تا آنجا که ممکن است سعی شده است که مجازاتها در مورد اطفال و نوجوانان سبک باشد و نهادهای تخفیفی خاصی در مورد آنها در نظر گرفته شده است که در بندهای آتی به آن اشاره می گردد

۳-۴-۱- بررسی تشریحی قانون در زمینه حقوق اطفال

یکی از مهمترین موارد تغییر و تحول در قانون جدید مجازات اسلامی اضافه شدن فصل دهم این قانون تحت عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان می باشد.

مواد این فصل از ماده ۸۸ شروع می شود و به ماده ۹۵ قانون ختم می شود. در این قانون سعی شده از پراکندگی مواد مربوط به حقوق اطفال که در لوایح قبلی وجود داشت جلوگیری شود و تا آنجا که امکان دارد در یک فصل جداگانه گنجانده شود. اما با این حال باز هم موادی در قسمت هایی دیگر این قانون مشاهده می شود که در مواد جدا از فصل دهم به اطفال و نوجوانان پرداخته است که به عنوان مثال می توان مواد ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۷ نام برد.

۳-۲-۴-۳- بررسی جرائم حدی و تعزیری اطفال و نوجوانان

۳-۲-۴-۳-۱- جرائم تعزیری سنین ۹ تا ۱۲ سال

تسلیم به اولیاء قانونی، معرفی به مددکار اجتماعی، روانشناس، مؤسسه آموزشی، فرهنگی... اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد، جلوگیری از برخی رفت و آمدها (ماده ۸۸).

جرائم تعزیری در سنین ۱۲ تا ۱۵ سال: اقدامات تأمینی که در بالا ذکر شد. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت (ماده ۸۸).

۳-۲-۴-۲- جرائم حدی نابالغین (اطفال و نوجوانان) ۱۲ تا ۱۵ سال

تبصره ۲ ماده ۸۸: هرگاه نابالغ (یعنی دختر زیر ۹ سال و پسر زیر ۱۵ سال) مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری (پسر نابالغ) داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بند های (ت) و (ث) ماده ۸۸ محکوم می شود و در غیر این صورت (پسر زیر ۱۲ سال ، دختر زیر ۹ سال) اقدامات مقرر در بندهای الف تا پ این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

در واقع قانونگذار در این قانون سیستم تدریجی در باره اطفال و نوجوانان را پذیرفته است.

تبصره ۳: در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدید نظر نماید.

۳-۲-۴-۳- حدود و قصاص در سنین زیر ۱۲ سال

طبق این نظر که در حدود قصاص، ملاک شرعی می باشد. باید گفت از آنجا که در این مرحله هنوز پسران به سن بلوغ شرعی نرسیده اند تنها اقدامات تأمینی که در بالا ذکر شد اعمال می گردد. اما دختران در صورتی که به سن ۹ سال قمری رسیده باشند مسئولیت کیفری داشته اما بالغین کمتر از این سن مشمول همان اقدامات تأمینی می گردد (ماده ۸۸).

۳-۲-۴- حدود و قصاص در سنین ۱۲ تا ۱۵ سال

باز هم مانند مورد بالا از آنجا که ملاک شرعی مدنظر می باشد برای پسر زیر ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۷ ماه شمسی): اخطار یا اخذ تعهد کتبی یا نگهداری در کانون و اصلاح و تربیت اعمال شده اما پسری که به سن ۱۵ سال قمری رسیده و همچنین دختر که مسلماً به سن بلوغ شرعی رسیده، مسئولیت کیفری دارند (ماده ۸۸).

در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی طی ۵ بند اقداماتی که شایسته اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است را احصاء نموده که از تسلیم به والدین با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق یا نوجوانان و به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت ختم می شود گرچه هم این نقد بر قانونگذار وارد است که با پذیرفتن سن ۹ سال در دختران و ۱۵ سال در پسران (جنسیت) در مرحله ی پارادوکس بلوغ شرعی و مجازات عرفی افتاده است. چرا که ماده ۱۴۷ قانون به صراحت بیان می دارد سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است.

ماده ۸۸ این قانون تا حدودی برگرفته از لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۷ می باشد با این تفاوت که در قانون جدید نوع جرم ارتكابی اطفال و نوجوانان به صراحت جرم تعزیری عنوان شده است و برخلاف ماده ۳۲ لایحه ۸۷ به ذکر کلمه جرم به تنهایی اکتفا نکرده و نوع جرم به صراحت بیان شده است. و سنین از ۹ تا ۱۵ سال تمام خورشیدی به ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی در قانون جدید تغییر یافته است. بند الف لایحه قانونی سال ۱۳۸۷ در قانون جدید به دو قسمت تقسیم شده است و قسمت دوم آن به صورت تبصره درآمده است.

در متن ماده ۸۸ و تبصره های آن که در حقیقت برگرفته از لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۷ می باشد، تغییرات اساسی روی داده است که می توان بند (ث) این لایحه و طبقه بندی تعزیر را در آن ذکر نمود.

در تبصره یک ماده ۸۸ قانون جدید، تصمیمات بندهای ت و ث درباره اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجرا است. اما در لایحه سال ۸۷ این بندها در غالب بندهای (د) و (ه) آمده بود که این بندها صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان بیش از ۱۲ سال و تا ۱۵ سال قابل اجرا خواهد بود. بند (ه) لایحه سال ۸۷ که در

آن نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا یک سال تعیین شده بود و درجات تعزیر در آن جایی نداشت، در لایحه چند بند (ث) عنوان و در تبصره آن منحصر شده است.

در لایحه سال ۸۷ و هیچ انحصاری در بند (ه) برخلاف قانون جدید نبود. تبصره ۲ قانون جدید نیز عنوانی است که در قوانین سابق نبود و اقدامی است که در راستای تخفیف در جرائم موجب حد یا قصاص و نابالغ را فردی دانسته که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد.

از نکات مبهمی که در این تبصره وجود دارد این است که سن بلوغ در قوانین جزائی و فقهی را نادیده گرفته است. و برخلاف ماده ۱۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی می باشد که در آن گفته سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب ۹ تا ۱۵ سال تمام قمری است.

اگر بخواهیم به مفاد این تبصره عمل کنیم باید اینطور برداشت کنیم که این تبصره براساس سنی که در آن عنوان شده (از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری) پسران را شامل نمی شود و فقط شامل دختران می شود.

تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون جدید افراد ۱۲ تا ۱۵ سال را نابالغ محسوب کرده و تعریف درستی از سن بلوغ نکرده است و معلوم نکرده که چه نابالغی منظور این ماده بوده است.

عنوان در غیر این صورت در تبصره ۲ به صراحت مشخص نیست که به سن ۱۲ تا ۱۵ سال برمی گردد یا به صدور عدم محکومیت در مورد ۱۲ تا ۱۵ سال قمری تا شامل بند ۳ بند الف - ب - پ شود. تبصره ۲ قانون جدید در جرائم مستوجب حدود و قصاص در مورد نابالغین ۱۲ تا ۱۵ سال قمری، مجازات سبک و مناسبی را در دو بند ت و ث پیش بینی کرده است فی الواقع مجازات تعزیری را در جرائم حدی این دسته پیش بینی کرده است.

در مقام قیاس با لایحه رسیدگی به جرائم اطفال محسوب ۱۳۸۷ در باب تجدید نظر می توان گفت در باب تجدید نظر در قانون جدید هیچ تغییری در قانون جدید نشده و همان مواد لایحه ۸۷ که در تبصره ۲ ماده ۳۲ آمده بود در لایحه جدید در تبصره ۳ ماده ۸۸ تکرار شده است.

۳-۵- تصمیمات دادگاه در مورد جرائم تعزیری نوجوانان با توجه به سن ارتكابی

درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی است مجازاتهای زیر اجرا می شود. (ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

الف - نگهداری در قانون اصلاح و تربیت از ۲ تا ۵ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی درجه ۱ تا ۳ است.

ب - نگهداری در قانون اصلاح و تربیت از ۱ تا ۳ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۴ است.

پ - نگهداری در قانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون تا ۴۰ میلیون ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۵ است

ت - پرداخت جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در جرائمی که مجازات قانونی آنها درجه شش است.

ث - پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱: ساعات ارائه خدمات عمومی بیش از ۴ ساعت در روز نخواهد بود.

تبصره ۲: دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای الف تا پ این ماده به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند یا به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا ۵ سال حکم دهد.

۶-۳- بررسی جرائم تعزیری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال با توجه به سن ارتكابی

جرائم تعزیری در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال، نگهداری در قانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی (با توجه به شدت جرم) ماده ۸۹ قانون جدید این ماده قانونی برگرفته از ماده ۳۳ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان می باشد در آن ماده عنوان شده بود، درباره نوجوانانی که سن آنها بیش از ۱۵ تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است مجازاتهای زیر قابل اجرا می شود، همانطور که مشخص است در این ماده هیچ اشاره ای به نوع جرم نشده است و تا حدودی مبهم بوده است.

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی تا حدودی قانونمند شده و صراحتاً در ابتدای ماده به جرم تعزیری اشاره نموده است و دایره شمول جرائم این گروه را محدود کرده است. این ماده برخلاف ماده ۳۳ لایحه ۸۷ سن ارتکاب را معیار قرار داده است و اقدام به حذف سال خورشیدی و جایگزین نمودن سال شمسی به جای آن نموده است و متقارن با این اقدام سن پیش از ۱۵ سال و تا ۱۸ سال تمام در ماده ۳۳ لایحه ۸۷ به سن زمان ارتکاب و بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی تغییر یافته است. درجات تعزیر در قانون جدید نقش پررنگی دارد، در لایحه ۸۷ پیش بینی شده بود که مجموع ساعات خدمات عمومی برای تمام دوره ی محکومیت فرد نباید بیش از دو بیست و چهل ساعت باشد اما در بند پ ماده ۸۸ قانون ۹۲، میزان ساعات خدمات عمومی رایگان تا هفتصد و بیست ساعت تعیین شده است.

در مورد ساعات روزانه ی خدمات عمومی در تبصره ۱ قانون جدید بیش از ۴ ساعت در روز نیست اما به جا بوده که قانونگذار در این مورد اقدام به برهم زدن تفکیک قانون سابق نمی نمود و ساعات را همچون لایحه ۸۷ برای افراد شاغل و غیر شاغل متغیر فرض می نمود.

ماده ۸۹ فقط تکلیف جرائم تعزیری را مشخص کرده و صحبتی از جرائم حدی نکرده است. در این ماده صحبتی از جرائم سنگین یا مجازاتهایی که در ماده ۳۳ لایحه ۸۷ نیست، اما با این حال مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در این قانون نیز به روال سابق وجود دارند، اقدام به جای دادن تأسیس اقامت در منزل نموده است، اگرچه این تأسیس در لایحه ۸۷ نیز وجود داشت اما دایره شمولش نسبت به جرائم ارتكابی این گروه سنی محدود بود.

در قانون جدید، نگهداری در کانون اصلاح تربیت، نگهداری مدت مند شده است در لایحه ۸۷ نگهداری در کانون اصلاح تربیت در دو روز آخر هفته برای مدت معینی معیار بود، در لایحه جدید و تبصره آن مدت ۳ ماه تا ۵ سال در دو روز آخر هفته برای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مشخص شده است.

۳-۷- تصمیمات دادگاه در تجدید نظر از آراء اطفال و نوجوانان

تصمیمات دادگاه در نگهداری و تسلیم طفل: دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یکبار در رأی خود تجدید نظر کرده و مدت نگهداری را تا ۳/۱ تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل ۵/۱ از مدت نگهداری در

کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی یا تحقیق شرایط آنها نخواهد بود. (ماده ۹۰ ق.م.ا. ۹۲)

۳-۱-۳ بررسی جرائم مستوجب حد و قصاص بالغین زیر هیجده سال

۳-۱-۳-۱ مجازات مرتکبین بالغ جرائم حدی زیر ۱۸ سال با توجه به شبهات قانونی و اعمال قاعده درأ

در جرائم موجب حد یا قصاص هر گاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش بینی شده در این فصل محکوم می گردند.

تبصره دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام و یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند استفاده کند.

۳-۱-۳-۲ تحلیل ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص مرتکبین ۱۵ تا ۱۸ سال

از آنجا که قانونگذار نمی خواسته از محدوده شرع خارج شود، سن مسئولیت کیفری را تغییر نداده است اما از آنجا که انتقادات وارده بیشتر در باب اجرای مجازاتهای سنگین حدود و قصاص بوده، لذا برای تعدیل آن مقرر ای را به تصویب رسانده که طبق آن افراد زیر ۱۸ سال در صورتی که تشخیص داده شوند از رشد عقلی کافی برخوردار نبوده، می توانند در حدود و قصاص تنها مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی گردند.

مفاد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ از نوآوری های این قانون می باشد. این قاعده، کمال عقل و رشد را مورد پذیرش قرار داده، و بر همین اساس تصریح نموده که در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش بینی شده در این فصل (فصل دهم) محکوم می شوند.

یکی از نکات برجسته فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این است که قانونگذار صرف خارج شدن منی در پسران یا حیض در دختران (بلوغ جسمی) را دلیل بر بلوغ و رشد و در نتیجه مسئولیت کامل کیفری ندانسته و بدین طریق به آموزه های نوین حقوق متمایل گردیده است. در همین راستا تبصره ماده ۹۱ قانون

مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تصریح نموده: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعمال یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند استفاده کند.

در ماده ۹۱ قانون جدید از افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال بحث شده است و معیار دقیقی برای مفهوم ماهیت جرم در این ماده ذکر نشده است و به صراحت نوع مجازات را تعیین ننموده است و گفته شده با توجه به سن، به مجازاتهای پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند.

با توجه به متن ماده این برداشت می شود که مجازات تعزیری برای جرائم حدی در نظر گرفته شده است. چون بیشتر مواد قانون جدید در خصوص جرائم تعزیری است نه جرائم حدی.

نکته مبهمی که در این ماده وجود دارد این است که در آن گفته شده است، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند با توجه به سن به مجازات در این فصل محکوم می شوند. اما گفته نشده که اگر این افراد ماهیت جرم انجام شده را درک کرده باشند و در صحت عقل آنها شکی نباشد تکلیف چیست؟

در ماده ۹۱ برخلاف ماده ۳۵ لایحه ۱۳۸۷ هیچ اسمی از دادگاه کیفری استان برده نشده است. قانونگذار این هدف را داشته که مجازات اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال منع کند اما باز هم نسبت به این ماده که از تحولات اساسی قانون ۹۲ می باشد ایرادات اساسی وجود دارد که مجامع بین المللی هم نسبت به این ماده ایراداتی ابراز داشته اند.

در ماده ۳۳ لایحه ۱۳۸۷: اطفال و نوجوانان مجازاتهای نسبتاً سنگینی برای مرتکبین زیر ۱۸ سال پیش بینی گردیده بود.

۳-۸-۳- حکم دادگاه و جبران خسارت

در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوطه به پرداخت دیه و خسارت حکم می کند.

این تحول برگرفته از ماده ۳۶ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۷ می باشد در آن ماده عنوان شده بود: در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ضمان مالی است دادگاه مطابق مقررات مربوط حکم به پرداخت دیه خسارت صادر می کند.

متن ماده در قیاس با قانون جدید دچار تغییر چندانی نشده است و فقط قید ضمان مالی در قانون جدید گسترده تر شده است و شمول وسیعتری پیدا کرده است.

۳-۹-۴- بررسی جهات تخفیف و تبدیل مجازات اطفال و نوجوانان و تعزیر

ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان به اقدام دیگری تبدیل نماید.

جهات تخفیف مجازات به صراحت در متن ماده ۳۷ قانون جدید ذکر شده است. این ماده برگرفته از ماده ۳۹ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۷ می باشد با این تفاوت که تخفیف مجازات در قانون جدید گسترده تر شده است و درجات تعزیر هفت و هشت در جرائم تعزیری، دادگاه در صورت احراز مجرمیت و جهات تخفیف می تواند مستوجب صدور حکم معافیت از کیفر بشود.

در ماده ۳۹ لایحه ۸۷: دادگاه می توانست مجازات نگهداری را طبق قانون تخفیف دهد.

ماده ۹۳ قانون جدید به مجازات به صورت عنوان کلی درآمده است و اقدامات تأمینی و تربیتی یا به اقدام دیگری تبدیل شده است که این اقدام به صراحت مشخص نیست.

۱- در قانون جدید نیز تخفیف مجازات مانند قانون سابق صرفاً شامل تعزیرات می باشد اما مشکل اصلی قانون سابق این بود که میزان تخفیف مشخص نشده بود در صورتی که در ماده ۳۷ قانون جدید به روشنی میزان تخفیف مجازات بیان شده است و در به کارگیری هر چه بیشتر تخفیف تأثیر دارد.

۲- قانونگذار در ماده ۳۸ قانون جدید به نفع متهم، جهات تخفیف را گسترش داده است به عنوان مثال ندامت، حسن سابقه و مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم از جمله مواردی هستند که در قانون سابق به عنوان جهات مخففه بیان نشده بودند.

۳- در قانون سابق ماده ای تحت عنوان معافیت از جرم وجود نداشت و دادگاهها تنها می توانستند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات را تخفیف دهند و یا تبدیل کنند، اما طبق ماده ۳۸ قانون جدید دادگاه می تواند در تعزیرات درجه ۷ و ۸، علاوه بر تخفیف در صورت وجود شرایط مندرج در این ماده، مجرم را از اعمال مجازات معاف کند.

این موضوع اگر چه با شرایط متعددی همراه است اما تازه و بدیع است و در جهت منافع متهم می باشد.

۳-۹- موانع مسئولیت کیفری و بلوغ: (مسئولیت کیفری نابالغ)

۳-۹-۱- مسئولیت کیفری نابالغین در لوایح قانونی

در متن لوایح سابق نیز افراد نابالغ مسئولیت کیفری نداشتند در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیش بینی شده بود که اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

در قانون جدید افراد نابالغ مترادف با اطفال مورد نظر در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در نظر گرفته شده است با در نظر گرفتن سن ۹ و ۱۵ سالگی به عنوان سن بلوغ برای دختران و پسران در ماده ۱۴۷ قانون جدید می توان گفت که در قانون مذکور افراد زیر این سن مسئولیت کیفری ندارند اما در تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون جدید نابالغ را فردی دانسته که از ۱۲ تا ۱۵ سال سن دارد که این در تعارض با ماده ۱۴۷ و مفهوم بلوغ در آن می باشد.

نقش بلوغ در شرایط تحقق مسئولیت کیفری در حدود و قصاص

مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم (قصاص) آمده است.

همانطور که مشخص شده شرط تحقق مسئولیت کیفری عقل، بلوغ و مختار بودن است با این گفتار فردی که بالغ نیست هیچگونه مسئولیت کیفری ندارد. که این اقدام در راستای قضا زدایی در مورد نابالغین می باشد. البته باز هم تبعیضات اعمال شده در مورد سن مسئولیت کیفری در دختران از ایرادات اساسی می باشد. معیار بلوغ هم اکنون همان معیار ۹ تا ۱۵ سال قوانین سابق در دختران و پسران است که معیاری فقهی است. شورای نگهبان نظر خود را پیرامون مواد لایحه مجازات اسلامی که با اصلاحاتی در جلسه دوم مرداد ماه سال ۹۰ کمیسیون قضایی و حقوقی شورای اسلامی به تصویب رسید به شرح زیر اعلام کرد.

در ماده ۱۴۰ نظر به اینکه در مورد دیات نیز موهم عدم مسئولیت کیفری است، بنابراین مناسب است ابهام مذکور به نحوی مرتفع شود.

مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم (قصاص) آمده است.

همانطور که مشخص شده شرط تحقق مسئولیت کیفری عقل، بلوغ و مختار بودن است با این گفتار فردی که بالغ نیست هیچگونه مسئولیت کیفری ندارد. که این اقدام در راستای قضا زدایی در مورد نا بالغین می باشد. البته باز هم تبعیضات اعمال شده در مورد سن مسئولیت کیفری در دختران از ایرادات اساسی می باشد. معیار بلوغ هم اکنون همان معیار ۹ تا ۱۵ سال قوانین سابق در دختران و پسران است که معیاری فقهی است. شورای نگهبان نظر خود را پیرامون مواد لایحه مجازات اسلامی که با اصلاحاتی در جلسه دوم مرداد ماه سال ۹۰ کمیسیون قضایی و حقوقی شورای اسلامی به تصویب رسید به شرح زیر اعلام کرد.

در ماده ۱۴۰ نظر به اینکه در مورد دیات نیز موهم عدم مسئولیت کیفری است، بنابراین مناسب است ابهام مذکور به نحوی مرتفع شود .

البته شورای نگهبان به مسئولیت کیفری در حدود و قصاص و تعزیرات در شرایط اعمالی آن در ماده ۱۴۰ قانون جدید مجازات این ایراد را نیز گرفته است.

۳-۱۰- تحولات و نوآوری های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

این قانون که قسمت آن برگرفته از لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان است، ترقی بزرگی جهت دادرسی اطفال و نوجوان محسوب می شود و تا حدود ۹۰ درصد ما را به استانداردهای جهانی مندرج در مواد ۳۷ و ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک و قواعد پکن برای دادرسی ویژه نوجوانان نزدیک می سازد.

از جمله مهمترین این تحولات عبارت است از برقراری رژیم مسئولیت کیفری تدریجی برای اطفال و نوجوانان مرتکب بزه، اعمال تدابیر تربیتی - اصلاحی مشابه مجازات، تعدیل و تخفیف مجازات در مراحل مختلف دادرسی و استفاده از مجازاتهای جایگزین، نهادهایی همچون تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای حکم، عدم رعایت مقررات تکرار جرم در مورد اطفال و نوجوانان جهت فراهم آوردن امکان حمایت از اطفال و روان و شخصیت آنها، حذف مجازات اعدام و سالب حیات .

می توان گفت مهمترین تغییر در قانون جدید، قرار دادن فصل دهم تحت عنوان مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان به ویژه ماده ۹۱ آن در تعریف چگونگی صدور حکم مجازات قصاص و حدود است..

پیش بینی عناوینی که جایگزین حبس در این قانون شده اند به صراحت مشهود است، قانونگذار عناوینی همچون حبس در خانه در لوایح سابق را تبدیل به اقامت در منزل به صورت زمانی محدود مشخص کرده است و گام دیگر در این قانون در جهت حبس زدایی در مورد اطفال و نوجوانان تبدیل سنوات حبس در کانون اصلاح و تربیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می باشد.

طبقه بندی مجازاتها بر اساس درجات تعزیری از نوآوری هایی در این قانون و فصل مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان می باشد. (اکرمی سراب، ۱۳۹۹، ۳۴)

با نگاهی به قانون جدید متوجه می شویم که در مباحث اساسی فقهی مربوط به سن بلوغ که از موضوعات مهم و بحث برانگیز لوایح سابق بود تغییرات اساسی روی نداده است و به نظر قانونگذار همچنان سن بلوغ را در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری مقرر نموده است.

با توجه به تعریف تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی می توان گفت این تعریف اقدام به جمع بندی دختران و پسران و تلخیص آن نموده است. این قانون در مقایسه با قوانینی مثل قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ که در تقسیم بندی مجازاتها با توجه به سن همه گروههای زیر ۱۸ سال را اطفال محسوب نموده و در ۳ طبقه جای داده، اقدام به طبقه بندی جدید نموده است و در طبقه بندی خود تفکیک قائل شده است و نقش تعزیر در مورد اطفال و نوجوانان پر رنگ شده است و نوجوانان در طبقه بندی سنی در کنار اطفال قرار می گیرند، فی الواقع این قانون تکمیل شده لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۷ می باشد. با این تفاوت که سال خورشیدی آن به سال شمسی در قانون جدید تبدیل و جرم تعزیری در قانون جدید به صراحت عنوان شده و تعزیر نیز درجه بندی شده است و بیشتر توجه قانون جدید به جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان بوده است تا جرائم حدی و مستوجب قصاص. در قانون جدید تحولاتی در باره جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان بوجود آمده که به ذکر برخی از این تحولات می پردازیم.

۳-۱۰-۱- حذف تعزیر افراد نابالغ

ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد.

این ماده این مفهوم را می‌رساند که هرگاه فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و یا مختار نباشد از مسئولیت کیفری مبری می‌باشد. این گفته درباره افراد نابالغ در ماده ۱۴۶ به این صورت عنوان شده که افراد نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند، اطلاق این ماده در نفی مسئولیت کیفری افراد نابالغ شامل همه ابواب حدود، قصاص و تعزیرات می‌شود.

یکی از تفاوت‌های اصلی این قانون در قیاس با قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ این است که پراکندگی و تعارضی که در آن قانون نسبت به اطفال و نوجوانان اعمال مجازات تعزیری نسبت به آنان که در لایحه ی سابق با تصریح به عدم وجود در آن کماکان وجود داشت به صراحت برداشته نشده است. در قانون جدید هیچ یک از ابواب برای افراد نابالغ تعزیر معین نشده است. در این قانون برای اطفال نابالغ بزهکار، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی پیش بینی شده است و مقرر می‌دارد: در مورد اطفال نابالغ براساس مقررات این قانون اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال خواهد شد.

۳-۱۰-۲- مسئولیت نقصان یافته

هر چند درباره ی سن بلوغ تغییری در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ایجاد نشده است ولی از همان نظر مشهور فقها و قانون مدنی تبعیت شده است (ماده ۱۴۷) ولی در مسئولیت کیفری اطفال بزهکار با توجه به سن آنها تحولات زیادی صورت گرفته است تا در این قانون درباره مجازات‌های تعزیری نوجوانان کمتر از ۱۸ سال از نظر مسئولیت نقصان یافته تبعیت شده است.

در ابواب حدود و قصاص در رشد کیفری در قانون جدید پذیرفته شده است و اطفال بزهکار به ۳ گروه تقسیم شده‌اند. ۱- اطفال کمتر از ۹ سال: مطلقاً و به طور کلی از مسئولیت کیفری مبری هستند ۲- اطفال و نوجوانان با داشتن ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی در زمان ارتکاب جرم: این گروه در صورت ارتکاب جرائم تعزیری دارای مسئولیت نقصان یافته می‌باشند و مجازات بزرگسالان در مورد آنها اعمال نمی‌شود و سنگین‌ترین مجازات اعمالی در مورد آنها با توجه به تصریح بند (ث) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه

تا یکسال می باشد در این موارد میان دختر و پسر و بالغ و نابالغ فرقی وجود ندارد. ۳- اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی دارند این افراد نیز در صورت ارتکاب جرائم تعزیری دارای مسئولیت نقصان یافته اند و مجازات بزرگسالان در مورد آنها اعمال نمی شود و در صورت ارتکاب جرائم تعزیری دارای مسئولیت نقصان یافته اند و مجازات بزرگسالان در مورد آنها اعمال نمی شود و در صورت ارتکاب جرائم تعزیری به حداکثر ۵ سال در کانون محکوم می شدند. البته در تقسیم بندی جرائم و مجازاتها در قانون جدید درجات تعزیر نیز در نظر گرفته شده است.

۱۱-۳- مزیت ها و چشم اندازهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۱-۱۱-۳- مزیت روش احکام جایگزین در مقایسه با روش های سابق

مهمترین مزیتش این بود که نوجوانی که شایسته کار کردن است از آزادی هایش محروم نمی شود، از محیط خانواده و جامعه حذف نمی شود، احساس بی عدالتی نمی کند و خود این کودک به اصلاح و تربیت خودش کمک می کند. کودکی به جای زندان رفتن و ادار می شود یک حرفه یا هنر بیاموزد و به دیگران یاد دهد. دیگر خصومتی با کسی نخواهد داشت و این روش که به عنوان « داوری تنبیهی » معروف است بسیار کارا تر از روش سابق است.

عدالت ترمیمی به ما می گوید از کودک انتقام نگیریم. عملی انجام ندهیم که شاکی یا قربانی در مقابل کودک قرار بگیرد و تا حد امکان کاری کنیم که اختلافات به صلح بینجامد و موجب حذف و طرد کودک از جامعه نشود.

۲-۱۱-۲- مزیت قانون جدید نسبت به قانون ۱۳۷۰

اطفال و نوجوانان قشری آسیب پذیر هستند که توجه ویژه دولت را در مراقبت از آنها قبل از ارتکاب جرم و پس از ارتکاب می طلبد. مضاف بر اینکه اطفال قبل از سن بلوغ دارای قدرت تمیز نیستند و مسئولیت نگهداری از آنها بر عهده والدین یا سرپرست قانونی می باشد که این موضوع از اوایل انقلاب مدنظر قانونگذاران بوده تا در خصوص آنها مقررات خاصی تصویب شود که با ملاحظه مقررات مدنی و کیفری محرز می شود و هدف توجه ویژه و مراقبت از این قشر بوده و هدف را توجیه می کند.

در نظر گرفتن فصلی مجزا در مورد اطفال نقطه عطفی در سیاست کیفری قانونگذار می باشد. تحول مهمی که صورت گرفته این است که اطفالی که بالغ شرعی هستند (سن بلوغی شرعی در دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال قمری است) اما زیر ۱۸ سال سن چنانچه شبهه در کمال عقل و رشد آنها بوجود آید، حدود قصاص در مورد آنها احراز نمی شود که البته معمولاً این شبهه در افراد زیر ۱۸ سال وجود دارد. در این قانون مجازاتهای تعزیری افراد زیر ۱۸ سال با مجازاتهای تعزیری افراد بالای ۱۸ سال متفاوت است.

در حالی که در قانون سابق فقط برای افراد بین سنین ۱۵ تا ۱۸ ساله امتیاز رسیدگی در دادگاه اطفال بود و هیچ امتیاز دیگری وجود نداشت، در قانون جدید دادگاه می تواند در حکم طفل بزهکار تجدید نظر کند و آن را به یک سوم کاهش دهد.

به نظر می رسد در واقع در بخشی از قانون مجازات، قانونگذار تا حدی تحت تأثیر رویکردهای حقوق بشری و مطالعات مبتنی بر حقوق کودک مندرج در کنوانسیون حقوق کودک بوده است.

به طور کلی سه مزیت را می توان برای قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای کودکان بزهکار برشمرد، اول اینکه مسئولیت کیفری در قانون جدید تدریجی است و متناسب با آن، مجازات هم تدریجی است یعنی تقسیم بندی به شکل ۹ تا ۱۲، ۱۲ تا ۱۵، ۱۵ تا ۱۸ سال است.

این نوع جدید تقسیم بندی سن کودکان بزهکار به این معنی است که مجازات هر سن مسئولیت کیفری واقعی نیست، یعنی دیگر سن بلوغ ملاک نیست بلکه این تقسیم بندی جدید است. دوم اینکه جنسیت در مسئولیت لحاظ نشده یعنی فرقی بین دختر و پسر وجود ندارد و برای کودکان زیر ۱۵ سال هم این قاضی است که دستش برای تصمیم گیری باز است. این به این معناست که کودک زیر ۱۵ سال مجازات نمی شود. سوم آنکه سن کودک براساس سالهای شمسی محاسبه می شود نه براساس سال قمری.

از مزیت های دیگر می توان گفت: کودکان زیر ۹ سال به هیچ وجه مجازات نمی شوند و فاقد مسئولیت کیفری هستند. اگر در زمان ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال شمسی داشته باشند حسب مورد دادگاه تصمیم می گیرد. در این قانون جدید می بینیم که کودک محکوم نمی شود و بنا به صلاحدید قاضی پرونده ممکن است حکم جایگزینی برایش صادر شود.

حداکثر مجازاتی که ممکن است برای این دستور درباره کودکان بزهکار صادر شود. حبس از ۳ ماه تا یک سال است، در این قانون هم برای کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال حداکثر مجازاتی که وجود دارد برای جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۳، پنج سال حبس است.

در ماده ۹۰ هم امکان تجدید نظر قاضی در رأی خود درباره کودکان بزهکاری که رفتار مناسبی از خود در کانون اصلاح و تربیت نشان داده اند، دیده می شود و دست او را برای کاهش یک سومی دوران حبس کودک یکبار باز گذاشته است.

با پذیرش اجرای آزمایش قانون مجازات اسلامی جدید براساس ماده ۹۱، اگر افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال جرمی را مرتکب شده باشند که حرمتش را نفهمیده باشند یا در رشد و کمال عقلی فرد بزهکار شبهه وجود داشته باشد، قصاص نمی شود. این قانون صراحتاً تشخیص را بر عهده دادگاه گذاشته و دست قاضی در این زمینه باز است و اگر در اختیار قاضیان عادل ما باشد، قطعاً کودکان زیر ۱۸ سال قصاص نمی شوند.

تعویق حکم برای جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ هم می تواند به اجرای عدالت ترمیمی کمک کند. ضمن اینکه دادگاه هم برای رسیدن به عدالت ترمیمی می تواند در صورت احراز جهات تخفیف مجازاتها تا نصف کاهش دهد. (ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

۳-۱۱-۳- مزیت جرم زدایی و عدالت ترمیمی در باب مجازات و مسئولیت کیفری اطفال

در باب جرائم و مجازات اطفال و مسئولیت کیفری اطفال تغییرات عمده ای اتفاق افتاده است. در مورد اطفال و نوجوانان، اولین تغییر، سن مسئولیت کیفری از قمری به شمسی است و دیگر وجود تردید و شک در بلوغ عقلی در افراد زیر سن ۱۸ سال و سقوط حدود و قصاص در صورت تردید در این موضوع است.

چون دوران کودکی یک دوره بحرانی می باشد لذا محاکم می بایست در اهلیت و مسئولیت کیفری این افراد دقت کنند. در حقیقت تمام تلاش قانونگذار جدید، جرم زدایی و تلاش در راستای دست یابی به عدالت ترمیمی بود.

ظهور مفهوم عدالت ترمیمی حاصل تحول در نگرش ها و دیدگاههای عمومی حقوقدانان کیفری، جرم شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری مبتنی بر جزا و سرکوب و عدالت کیفری مبتنی بر اصلاح و تربیت است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ ارزشهای جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویایی را

معرفی می‌کند. این پدیده‌ی نو ظهور، صرفنظر از پیشینه‌های تاریخی و فرهنگی و قبل از هر چیز ابتدا در خلال برنامه‌های مختلف خانواده که عدالت ترمیمی، نظیر میانجیگری کیفری، محافل تعیین حکم و مجازات‌ها و الگوی گروه‌های خانوادگی... تجربه شده اصول اساسی و اهداف و کارکردهای آن تئوریزه شده است (شامبیاتی، ۱۳۹۴، ۴۳).

در راستای جرم زدایی، قانونگذار اقدام به حبس زدایی نیز نموده است که در جرائم ارتكابی نوجوانان به صراحت مشهود است اما باز هم تفسیر موسع قضات در این باره است.

از مزیت‌های جرم زدایی می‌توان به امکان بازگشت نوجوان به محیط خانواده و دوری از محیط جرم زای کانون اصلاح و تربیت یاد کرد که این خود از مزایای عدالت ترمیمی نسبت به مرتکبین جرم در قانون جدید مجازات اسلامی و حمایت از آنها است.

۳-۱۱-۴- بررسی تبعیض جنسیتی در قانون ۱۳۹۲

مهمتری تبعیض جنسیتی که با وجود همه‌ی اعتراضات پیشین به قانون مجازات اسلامی، همچنان اصلاح نشده، سن مسئولیت کیفری است.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ سن مسئولیت کیفری براساس بلوغ شرعی قرار داده و براساس این قانون پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی، کودکان و بزرگسالان در تمام مجازات‌ها یکسان هستند، این امر در حالی است که در هیچ یک از قوانین کیفری جمهوری اسلامی «سن مسئولیت کیفری» افراد مشخص نشده و قضات دادگستری با برداشت‌های خاص خود از موازین فقهی و نیز ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دختران را که نشان بالای ۹ سال تمام قمری و پسرانی که نشان بالای ۱۵ سال تمام قمری باشد را بالغ می‌دانند.

قانون جدید مجازات اسلامی نیز همچنان سن بلوغ را شرط داشتن مسئولیت کیفری عنوان کرده است با این تفاوت که به صراحت اعلام کرد: سن بلوغ به ترتیب در دختران و پسران ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است که در بین فقها یک نظر واحد در این رابطه وجود ندارد.

برخی از مراجع تقلید همچون آیت الله صانعی ۱۳ سال را سن بلوغ شرعی عنوان می‌کند و برخی دیگر همچون آیت الله محمد هادی معرفت معتقدند (حد بلوغ در اطفال همانگونه که نسبت به جنسیت (پسر یا دختر بودن) نسبت به امور مختلف جامعه از جمله عبادات، معاملات، و... نیز یکسان نیست). (مه‌ریزی، ۱۳۸۶،

۴۰۰). از سوی دیگر بررسی آیات مربوط به بلوغ از سوی پژوهشگران امور دینی نشان می دهد، در هیچ یک از آیات و روایات (سن) مطرح نشده و بر نشانه های ذاتی و طبیعی برای تشخیص سن بلوغ تأکید شده است و چنانچه آیت الله فاضل میبیدی می گوید: «بلوغ یک پدیده تکوینی و طبیعی است و شارع می تواند آنرا در انسان جعل یا اختیار کند و بگوید دختر ۹ سال، تعبداً بالغ است». (میبیدی فاضل، ۱۳۹۳، ۲۷)

این تصریح به سن ۹ و ۱۵ سال برای بلوغ در حالی که در ماده ۸۸ قانون جدید اطفال و نوجوانانی را که مرتکب جرائم تعزیری شده و سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین ۹ تا ۱۵ سال بوده را از مجازات اعدام مصون کرده است. قانونگذار نباید قانونی تصویب کند که ابهام داشته باشد. از یک طرف بگوید سن مسئولیت کیفری افراد ۱۸ سال است و از سوی دیگر سن بلوغ در دختران را ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری عنوان کند.

این تغییرات نشانگر این است که حتی مقامات مسئول نیز نگران اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران هستند و می خواهند اعلام کنند، مسئولیت کیفری افراد تا سن ۱۸ سالگی منتفی است اما برای در نظر گرفتن « جنبه شرعی موضوع » در جلب نظر شورای نگهبان سن شرعی ۹ سال و ۱۵ سال را به ترتیب برای دختران و پسران مطرح کرده اند.

براساس ماده ۸۹ قانون، در جرائم اطفال و نوجوانان، حداکثر مجازات برای کودک بین ۱۲ تا ۱۵ سال قمری که مرتکب یکی از جرائم حد یا قصاص شود، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا یکسال و اخطار و تذکر و تعهد کتبی به عدم تکرار است.

کودکان زیر سن ۱۲ سال قمری که مرتکب اینگونه جرائم شوند به مجازاتهایی همچون معرفی به مددکار اجتماعی روانشناسی و ... محکوم می شوند.

اما افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال که مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص می شوند به اعدام محکوم خواهند شد و جواز عدم صدور حکم اعدام آنها فقط منوط به نداشتن رشد عقلی است که دادگاه باید آن را تشخیص دهد. نکته قابل توجه این است که با وجود اعمال این تغییرات در قانون، معافیت از اعدام برای کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله فقط برای پسران اعمال می شود و سن مسئولیت کیفری برای دختران همچنان از ۹ سالگی شروع می شود چرا که ملاک اصلی سن مسئولیت کیفری همچنان بلوغ شرعی است.

تنها راهکار پیش بینی شده برای لغو اعدام کودکان، ماده ۹۱ قانون جدید است.

در واقع این قانون بدون آنکه اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را به طور کلی براساس تعهدات خود در پیمان نامه حقوق کودکان و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ممنوع کند آن را در اختیار قاضی قرار داده است. دادن این اختیار به قاضی از سویی می تواند مثبت تلقی شود چرا که به قاضی این قدرت را می دهد که از صدور حکم اعدام خودداری کند اما از سوی دیگر با بررسی پیشینه احکام اعدام صادر شده برای کودکان از سوی قضات چندان مؤثر به نظر نمی رسد. چرا که در چهار چوب قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران نیز قاضی این اختیار را دارد که از صدور حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال خود داری کند.

استناد به پیمان نامه حقوق کودکان را می تواند مهمترین راه کار فعلی دانست، قضات می توانند با تأکید بر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک که هیچ ایرادی هم از سوی شورای نگهبان بر آن وارد نشده است از اعدام افراد جلوگیری کند. در حقیقت کنوانسیون حقوق کودک جزء قوانین حقوقی کشور ما به شمار می آید و قضات توانای ما می توانند به آن استناد نمایند. اما به جرأت می توان گفت که هیچکدام از قضات در دادگاهها این مسئله را رعایت نمی نمایند و به آن استناد نمی کنند.

از سویی دیگر لحاظ کردن « تشخیص رشد و کمال عقل » از سوی دادگاه پیش از این در محاکمات قضایی امکان پذیر بود و قضات می توانستند با استفاده از منابع به رسمیت شناخته شده از سوی قانون از دادن حکم اعدام به نوجوانان خود داری کند.

چنانچه که در سال ۱۳۸۸ قاضی محسن افتخاری قاضی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران توانست با استناد به عدم اثبات (بلوغ فکری) متهم، نوجوان ۱۶ ساله ای به نام نصرت را که در پی ارتکاب قتل به قصاص محکوم شده بود، تبرئه کند. وی که یکی از ۵ قاضی این پرونده بود با بیان اینکه نصرت در زمان وقوع قتل بلوغ فکری نداشته است، دلیل صدور این رأی را فتوای آیت الله ناصر مکارم شیرازی اعلام کرد که در پاسخ به استفتای یکی از قضات در سالهای گذشته گفته بود برای صدور احکام احتیاط این است که بلوغ فکری را در نظر بگیرید، این قاضی همچنین فتوای آیت الله صانعی که بلوغ شرعی در دختران را از ۹ سال به ۱۳ سال افزایش داده است را از دلایل صدور این رأی عنوان کرد و گفت که براساس این فتوا « سن بلوغ شرعی پسران نیز نمی تواند افزایش یابد».

تعیین شده سن ۱۸ سال برای حق معامله و عقود در قانون مدنی ایران از دیگر موارد مورد استناد صدور این حکم از سوی قاضی افتخاری بود. (قلی بیگیان، ۱۳۹۰، ۴۰)

نتیجه گیری:

قوانین کشور ما در زمینه مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان از ابتدای قانونگذاری یعنی قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ همواره با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. در تمام این قوانین همواره سعی شده است تا قانونگذار نگاه متفاوتی نسبت به جرائم این قشر داشته باشد. در قانون ۱۳۰۴ در فصل هشتم خود را به شرایط و موانع مجازات اختصاص داده بود، یکی از این موضوعات مسئله مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بود. در این قانون در طی سه ماده مفصل (مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶) برای سه دسته از افراد دارای گروههای سنی خاص تعیین تکلیف نموده بود. (اطفال کمتر از ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال، ۱۵ تا ۱۸ سال)

در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ با تقلیل دادن سن مسئولیت کیفری از ۱۲ به ۶ سالگی و همچنین پیش بینی کانون اصلاح و تربیت گام های خیلی مثبتی در جهت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان برداشته بود. این قانون در زمان خود یکی از بهترین قوانین داخلی محسوب می شد و نکته ی بسیار مهمی که در این قانون وجود داشت این بود که هیچ مغایرتی با شرع اسلام و فقه امامیه نداشت و حتی در جهت آنها نیز حرکت کرده بود.

در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ که اصلاحیه ای بر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بود. سن بلوغ را ۱۸ سال اعلام کرد. در این قانون از موازین شرعی فاصله گرفته بود. در بعضی از مواد آن می توان نمونه هایی از شدت گرایی نیز پیدا نمود. در قوانین قبل از انقلاب که بر پایه پیش بینی رژیم های مسئولیت کیفری تدریجی و افتراقی و طبقه بندی اطفال بر اساس سن آنها بود بسیار اقدامات مناسبی را انجام دادند که به وضوح می توان آنها را احساس کرد.

در قوانین ماهوی بعد از انقلاب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ به نوعی همه ی مقررات قوانین قبل از انقلاب نسخ گردید و دوره فترت دادرسی نوجوانان آغاز گردید. در این قانون با اطفال همانند بزرگسالان برخورد می شد که این خودش بزرگترین ایراد وارده بر این قانون بود.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز به هیچ وجه تعریفی از طفل ارائه نشد بلکه فقط به سن بلوغ شرعی در ماده ۴۹ اشاره شد و برای کودکان در صورت نیاز تنبیه در نظر گرفته شد. نکته ای که قانون ۱۳۷۰ را نسبت به قانون ۱۳۶۱ برتری می دهد اینست که تنبیهات اعمال شده به وسیله سرپرست اطفال و عندالافتضاء به کانون اصلاح و تربیت محول شده و این تنبیهات باید به میزان و مصلحت باشد. اما در قانون سال ۱۳۶۱ این تنبیهات توسط دادگاه انجام می شد و به گونه ای بود که فقط باید تنبیه کودک دیه به آن تعلق بگیرد و در موارد دیگر که آسیبهای روحی و روانی و اذیت و آزار شدید اعمال می شد، طبق قانون بود و هیچ منعی برای اجرای این تنبیهات وجود نداشت.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فصل دهم آن در واقع پاسخ به یکی از نیازهای دیرینه حقوق کیفری اطفال در ایران است. این قانون با ترک تدابیر سنتی و روی آوردن به روش های نوین در ابعاد شکلی و ماهوی در صدد پر کردن خلأ قانونی موجود و روز آمد کردن رژیم جزایی ناظر به مدیریت رفتار اطفال و نوجوانان بزهکار است.

دولت جمهوری اسلامی ایران با امضاء و تصویب کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) خود را ملتزم به اتخاذ تدابیر تقنینی و قضایی در زمینه حقوق و حمایت های خاص کودکان کرده است. تنظیم و تقدیم لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان علاوه بر خواستگاههای ملی و تقاضاهای داخلی با تکیه بر این تعهد و التزام قابل تحلیل و توجیه است و در این راستا تصویب قانون جدید مجازات ۱۳۹۲ اقدامی مثبت و کارآمد در جهت مطابق ساختن قواعد حقوقی ما در زمینه حقوق کودک با قواعد و معیارهای بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک می باشد.

قانون جدید هم نقاط قوتی دارد و هم نقاط ضعف. به طور کلی مزیتش محدود کردن مجازات و نزدیک شدن به عدالت ترمیمی و توجه بیشتر به اطفال و نوجوانان بزهکار است و این اقدام راهکار مناسبی جهت تحقق عدالت کیفری و گسترش عدالت ترمیمی می باشد.

این اختیار بیشتر به نهاد خانواده می تواند یکی از صور عدالت ترمیمی نسبت به این اطفال آسیب پذیر می باشد. باز هم نکاتی از قانون مجازات باب تفسیر موسع قضات باز می شود که این هم از ایرادات قانون است.

به نظر می رسد با توجه به حساسیت موضوع حقوق و مسئولیت های کیفری اطفال و نوجوانان و فروعیات این بحث در فقه و قانون مجازات اسلامی و نوآوری های موجود در قانون، بسیاری از ایرادات قانون مجازات

اسلامی از بین خواهد رفت. اهم این تحولات عبارتست از تعیین ۹ سال شمسی به عنوان سن ورود افراد به سیستم کیفر و مجازات، قبول کردن مسئولیت نقصان یافته ی اطفال بزهکار تا ۱۸ سال حذف کردن تعزیر در مورد افراد نابالغ، شرط قراردادن رشد کیفری در مورد افرادی که بالغ هستند اما کمتر از ۱۸ سال سن دارند در جرائمی که مستوجب مجازات حدود و قصاص است.

قانون جدید در خصوص حقوق کیفری اطفال و نوجوانان متضمن مقرراتی تازه و دارای محاسن و موجهاتی قابل دفاع است. تصویب این قانون نقشی بسزا در سامان دهی حقوق کیفری اطفال و سوق دادن آن در مسیر معیارهای علمی ایفا خواهد کرد و می تواند در جهت جلوگیری از تکرار بزهکاری در آینده مؤثر می باشد.

نمی توان نادیده گرفت که بر مبنای قانون جدید در رابطه با مجازاتهای تعزیری تغییرات مناسبی صورت گرفته و کودکان اعم از دختر و پسر بالغ و نابالغ، در صورت ارتکاب این نوع جرائم تا قبل از ۱۸ سال تمام شمسی، صرفاً به اقدامات تامینی و تربیتی محکوم می شوند و امکان اجرای مجازاتهای مختص بزرگسالان درباره آنها وجود ندارد.

در مقایسه با قانون سابق که رسیدن به سن بلوغ شرعی موجب مسئولیت کامل کیفری بود، می توان این اقدام را در رابطه با جرائم تعزیری به خصوص درباره دختران مثبت ارزیابی کرد.

به علاوه امکان منتفی شدن حدود و قصاص در صورت اثبات عدم رشد عقلی اقدام مثبت دیگری است که البته بدون ایراد نیست و مشکل را نیز به طور کامل حل نکرده است.

اما فراموش نکنیم که اقدامات اصلاحی که همواره مورد مطالعه فعالان و مجامع بین المللی حقوق بشر بوده و لغو کامل و بدون اما و اگر احکام اعدام و قصاص و مجازاتهای خشن برای افراد زیر ۱۸ سال بوده است که به هیچ وجه محقق نشده است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کماکان امکان اجرای مجازاتها حدود و قصاص درباره افراد زیر ۱۸ سال وجود دارد و به هیچ وجه منتفی نشده است، به علاوه این قانون بر خلاف آنچه ادعا شده در رابطه با جرائم موجب حدود و قصاص، آشکارا بین دختر و پسر تبعیض قائل شده است.

با توجه به مطالب گفته شده در این تحقیق اعم از نوآوری، تحولات، محاسن و مزایا و ایرادهای گرفته شده از قوانین مختلف به نظر می رسد، قانونگذار در جهت اجرای عدالت نسبت به اطفال و نوجوانان بسیار تلاش

های ارزنده ای را به عمل آورده است. اوج تحقق و رسیدن به هدف آرمانی که همان اجرای دقیق عدالت در مورد این قشر آسیب پذیر، فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد که امید است (در لوایح بعدی مجازاتهای طولانی اطفال و نوجوانان حل شود و معیار ثابت قرار داده شود)

این ایرادها و ایرادهای جزئی دیگر اصلاح شده و سیستم قضایی عادل کشورمان نیز نکته به نکته این قوانین را در محاکم، به مرحله ی اجرا در بیاورد.

منابع

الف: کتاب ها

۱. امام خمینی، روح اله، ۱۴۰۹ق، تحریر الوسیله، قم، انتشارات کتابخانه حوزه علمیه
۲. امامی، سید حسن، ۱۳۹۱، حقوق مدنی، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۳. بلر و همکاران، ۱۳۹۵، روانشناسی نوجوانی، ترجمه رضا شاپوریان، تهران، نشر نی.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۸، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۵. دهخدا، علامه علی اکبر، ۱۳۹۷، لغت نامه دهخدا، جلد ۵، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۴، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد.
۷. شرفی، محمد رضا، ۱۳۹۶، دنیای نوجوانان، چاپ چهارم، تهران، نشر تربیت.
۸. عباچی، مریم، ۱۳۹۰، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل، تهران، انتشارات جنگل.
۹. غفوری غروی، سید حسن، ۱۳۹۰، انگیزه شناسی جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی.
۱۰. معظمی، شهلا، ۱۳۹۸، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد.
۱۱. صلاحی، جاوید، ۱۳۹۸، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.

مقاله ها:

۱۲. اکرمی سراب، روح الله، ۱۳۹۸، نقدی بر لایحه قانون مجازات اسلامی، ماهنامه دآوری، شماره ۷۹، سال سیزدهم.
۱۳. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۶، اطفال در معرض خطر، شماره ۴۵، ماهنامه قضاوت.
۱۴. جوانمرد، بهروز، ۱۳۹۴، بررسی پیش نویس لایحه آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان با نگاهی به تجربه قانونگذاری در گذشته، انتشارات مجله قانون و کلا.

۱۵. فتحی، حجت اله، ۱۳۹۸، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی، نشریه حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱
۱۶. میبیدی، فاضل، ۱۳۹۳، بلوغ از دیدگاه فقهی و کارشناسی، فصلنامه فرزانه، دوره دوم، شماره ۵
۱۷. مهریزی، مهدی، ۱۳۹۶، شخصیت و حقوق زن در اسلام، انتشارات علمی - فرهنگی، شماره ۲۷.
۱۸. نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین، ۱۳۹۲، میزگرد بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
۱۹. نوربهاء، دکتر رضا، ۱۳۹۵، مسئولیت جزایی اطفال و مجانین در قانون راجع به مجازات اسلامی، مجله تحقیقات حقوقی بخش تحقیق، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. عباچی، مریم، ۱۳۸۳، پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷.
- پایان نامه:
۲۱. میر سعیدی، سید منصور، ۱۳۹۷، ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و اسلام، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس
۲۲. قلی بیگیان، ایمان، ۱۳۹۰، بررسی تحولات حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در لایحه قانون مجازات اسلامی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات کرمانشاه.